عبارتهای وصفی در شعر خاقانی

وثوقی، حسین

دکتر حسین وثوقی‏ (استاد دانشگاه تربیت معلم تهران) مقدمه‏ از مطالعه و بررسی اشعار خاقانی شروانی به قصاید بلند و ترکیب‏بندهای خاصی برخورد می‏کنیم که در مدح‏ و نعت اولیاء الله و یا در مرثیه،ستایش و نکوهش برخی‏ امرای زمان وی سروده شده است.خاقانی در این‏ قصاید و ترکیب‏بندها،عبارتهای وصفی نوینی را برای‏ نخستین بار به مقتضای پیام شعر و شیوه‏های توصیفی‏ خاص خود ساخته و ابداع کرده و از آنها به نحوی‏ مناسب و شایسته استفاده نموده است.برخی از این‏ عبارتهای توصیفی دارای مفهوم متعارف و واقع‏گرایانه‏اند و بعضی دیگر،از مبالغه،اغراق یا غلّو برخوردارند. آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‏شود بررسی و توصیف‏ آن دسته از عبارتهای توصیفی است که خاقانی برای‏ نخستین بار به شیوهء دلخواه خود ساخته و به مقتضای‏ شعری خود به کار گرفته است و در عین حال دارای‏ مفاهیم مبالغه،اغراق و غلوّ می‏باشند.

خصوصیت ساختاری و گروه ساختی و نیز خواص‏ معنایی و کاربردی این نوع عبارتها ایجاب می‏کند که دو نوع توصیف متمایز به شیوهء زبان شناختی از آنها به عمل‏ آوریم:یکی توصیف ساختاری) larytcurts -ed noitpircs (و دیگری توصیف عملکردی ) lanoitcnuf noitpircsed (تا اولا به کیفیت ترکیبی و رو ساختی آنها پی ببریم و در ثانی شیوه عملکرد و سازش‏پذیری آنها را در متن اشعار و بافت کلام خاقانی تشریح کنیم.

خاقانی نه تنها در پردازش واژه‏های نوین از مهارت‏ بی‏همالی برخوردار است بلکه توان او در به کارگیری‏ انواع واژگان علوم مختلف بسیار چشمگیر است و قدرت توصیف و تصویرسازی او تحسین برانگیز می‏نماید.اما در هر حال بیش از هر چیز به صورت‏ شعر و قالب بیان توجه دارد.در اینجا برای نشان دادن‏ تأکید زیاد او به صورت شعر و به قالب بیان،چند بیتی‏ را به عنوان نمونه ذکر می‏کنیم:

خسرو مهدی نیت،مهدی آدم صفت‏ آدم موسی بیان،موسی احمد مقام

صبح سپهر جلال،خسرو موسی سخن‏ موسیِ خضر اعتقاد،خضر سکندر جناب

جمشید سام عصمت،سام سپهر سطوت‏ دارای زال همت،زال زمانه داور

قالب شعری و روابط صوری واژه‏های این ابیات به‏ قدری نظر خواننده را به خود جلب می‏کند که مدتی او را از تفکر دربارهء محتوای آن و پی بردن به پیام شاعر باز می‏دارد.از آن گذشته در هر مصراع از ابیات قرائت‏ شده دو عبارت وصفی،به طور مرتب و نظام مند،به کار برده شده که هر کدام موصوفی را که یا استعاری است و یا غیر استعاری به طور مبالغه،اغراق یا غلو توصیف‏ می‏کند.در آنها حالاتی از سبکهای مفاخره،متکلف و گفتاری پرطمطراق استنباط می‏شود که نگرش متفاوت‏ مثبت یا منفی را در خواننده برمی‏انگیزد،اما به هر حال‏ مخاطب صبور و با تأمل می‏تواند بالمآل به مفاهیم‏ زیبای توصیفهای او پی ببرد و به تحسین شاعر بپردازد.

اینک به توصیف عبارتهای نو پرداختهء خاقانی‏ می‏پردازیم.

الف:توصیف ساختاری‏ منظور از توصیف ساختاری پی بردن به مشخصه‏های‏ انواع واژه‏هایی است که در ساخت عبارتهای وصفی به‏ کار برده شده‏اند و چگونگی آرایش آنها در ساخت گروه‏ و آنگاه تعمیم و طبقه‏بندی آنها به الگوهای مشترک و کلی ساختاری.از مشاهده و بررسی دقیق عبارتهای‏ وصفی جمع‏آوری شده معلوم گردید که هر یک از این‏ عبارتها بدون استثنا از دو عنصر ساخته شده است که از نظر ویژگیهای واژگانی نسبت به هم متفاوتند،لکن‏ حاصل ترکیب تمامی آنها توانسته است یک عبارت‏ وصفی پرمحتوا را ارایه دهد.این نوع عبارتها از نظر عناصر ساختاری و گونهء ترکیبی خود به سه الگوی متمایز کلی تعمیم می‏یابند که به ترتیب فراوانی آنها در پیکرهء مورد بررسی،در زیر معرفی و بررسی می‏شوند:

الگوی نخست

عنصر نخست‏ عنصر دوم

اسم خاص یا عام‏ اسم معنا

عبارت توصیفی‏ همان طور که از طرح الگوی نخست مشاهده‏ می‏شود،عبارتهای مبتنی بر این الگو از دو عنصر ساخته شده‏اند:عنصر نخست در آنها اکثرا اسم خاص‏ و بعضا اسم عام می‏باشد و جایگاه عنصر دوم آنها با یک‏ اسم معنا اشغال می‏گردد.این دو واژه بدون هیچ نوع‏ پیوند یا کسره اضافه با هم همنشین می‏شوند و یک‏ ترکیب معنایی منسجم و با مفهومی را به وجود می‏آورند که برای خوانندهء آن،به لحاظ تازگی و نا شناخته‏ بودن،ابتدا نا مأنوس و شاید نا پذیرفتنی و کمی‏ تعجب‏آور می‏نماید ولی با تأمل بیشتر در آن،مفهوم آن را که آمیخته به نوعی مبالغه است در می‏یابد و چه بسا که‏ آن را تحسین نماید.بنابراین،ویژگی عمده‏ای که‏ همبستگی بین این دو واژه را تأمین می‏نماید،نوعی‏ سازش معنایی) citnames ytilibitapmoc (است که‏ توسط شاعر به طور جعلی ولی ماهرانه ایجاد می‏گردد و آنگاه به خواننده شعر منتقل می‏شود و ممکن است از آن‏ پس در زبان رایج گردد و بر شاعران متعاقب نیز تأثیر بسزایی داشته باشد.در اینجا چند مثال از این عبارتهای‏ وصفی را همراه با موصوف آنها که در ابیات خاقانی آمده‏ است ارائه می‏دهیم.

داور مهدی سیاست،مهدی امت پناه‏ رستم حیدر کفایت،حیدر احمد لوا

دهر شبانگه لقا،تازه شد از تو چو صبح‏ تا به زبان قبول،یافت ز حضرت جواب

شاه فلک جنیبت،خورشید عرش هیبت‏ بهرام گور زهره،برجیس بحر خنجر

صدر براهیم نام،رادِ سلیمان جلال‏ خواجه موسی سخن،مهتر احمد سخا

شاه عراقین طراز،کز پی توقیع او کاغذ شامی است صبح،خامه مصری شهاب

از این نوع عبارتهای توصیفی تعداد 52 فقره در پیکرهء جمع‏آوری شده از قصاید بلند و ترکیب بندهای خاقانی‏ شروانی یافت می‏شود که عنصر نخست در اکثر آنها اسم‏ خاص است و تنها جایگاه معدودی از آنها با اسم عام‏ اشغال می‏گردد.

الگوی دوم

عنصر نخست‏ عنصر دوم

اسم خاص یا عام‏ اسم ذات

عبارت توصیفی‏ در ساختار عبارتهای توصیفی که منطبق بر الگوی دوم‏ می‏باشند،عنصر نخست باز هم یک اسم خاص یا عام‏ است،لکن جایگاه عنصر دوم به وسیله یک اسم ذات‏ اشغال می‏شود که از این نظر الگوی دوم با الگوی‏ نخست تفاوت اساسی پیدا می‏کند.نمونه‏هایی از این‏ عبارتها را به همراه موصوف آنها در ابیات زیر می‏خوانیم:

ای خدیو ماه رخش،ای خسرو خورشید چتر ای یل بهرام دهر،ای شه کیوان دها

زهی خضر سکندر دل،هوا تخت و خرد تاجش‏ زهی سر مست عاقل جان،بقا نزل و رضا خوانش

مهدی دجال کش،آدم شیطان شکن‏ موسی دریا شکاف،احمد جبریل دم

ابر صواعق سنان،بحر جواهر بنان‏ روح ملایک سپاه،مهر کواکب حشم

هادی مهدی غلام،امی صادق کلام‏ خسرو هشتم بهشت،شحنهء چارم کتاب

بین دو عنصر سازندهء این دو نوع عبارات توصیفی هیچ‏ پیوند یا کسرهء اضافه‏ای وجود ندارد و تنها پیوند معنایی، همبستگی آنها را در ترکیب تأمین می‏نماید.تعداد این‏ نوع عبارتها در پیکره جمع‏آوری شده 39 فقره است که‏ تنها پنج فقرهء آنها بدون موصوف به کار رفته‏اند و در جایگاه اسم یا مسند قرار گرفته‏اند.

الگوی سوم

عنصر نخست‏ عنصر دوم

اسم خاص یا عام‏ صفت

عبارت توصیفی‏ نخستین عنصر عبارتهای توصیفی که منطبق با الگوی‏ سوم هستند باز هم یک اسم خاص یا عام است لکن‏ جایگاه دوم این الگو را یک واژه از نوع صفت اشغال‏ می‏کند که در واقع وجه تمایز الگوی سوم از دو الگوی‏ دیگر می‏باشد.باز هم هیچ پیوند یا کسرهء اضافه بین این‏ دو عنصر قرار نمی‏گیرد و در کنار هم به صورت یک‏ همنشین مرکب بیان می‏شوند،مانند عبارات نمونهء زیر که همراه با موصوفشان آورده شده‏اند.ابیات زیر نمونه‏هایی از این الگو هستند:

مهدی دجّال کش،آدم شیطان شکن‏ موسی دریا شکاف،احمد جبریل دم

شاه ملایک شعار،شیر ممالک شکار خسرو اقلیم بخش،رستم توران ستان

شاه مجسطی گشای،خسرو هیئت شناس‏ رهرو صبح یقین،رهبر علم الکتاب

از این نوع عبارتها تعداد 12 فقره در پیکره مورد بررسی‏ وجود داشته است و برخی از آنها بدون موصوف به کار برده شده‏اند.صفتهایی که دومین جایگاه این الگو را اشغال می‏کنند از نوع صفات فاعلی می‏باشند که شکل‏ مرخّم آنها در این ترکیبها به کار رفته است.

ب:توصیف عملکردی‏ منظور از توصیف عملکردی،تبیین کار کرد متناسب‏ این گونه عبارتهای توصیفی در بافت کلامی ابیات شاعر و ایجاد روابط معنایی و نحوی است با سایر عناصر کلامی ابیات که موجب رسایی بیان شاعر و توفیق او در تأثیرگذاری بر خوانندگان است.بنا بر تعریف مذکور، نقش این گونه عبارتهای توصیفی را می‏توان به دو گونهء عمده تقسیم کرد:یکی نقش نحوی ) citcatnys noitcnuf (و دیگری نقش معنایی) citnames -cnuf . noit (

نقش نحوی:همان طور که قبلا هم اشاره شد،این‏ عبارتها از نظر دستوری دارای نقش توصیفی هستند که‏ عمدتا بعد از یک اسم ظاهر می‏شوند و آن را توصیف‏ می‏کنند،مانند«داور مهدی سیاست».اما تعداد قلیلی‏ از این ترکیبها بلا فاصله بعد از یک موصوف رخ نمی‏دهند بلکه در جایگاه مسند جمله قرار می‏گیرند و به وسیله یک‏ رابطه(فعل ربطی)به فاعل نسبت داده می‏شوند،یا این‏ که جایگزین یک اسم می‏شوند و نقش آن را به عهده‏ می‏گیرند،مانند بیتهای زیر:

ای گه توقیع آصفخامه و جمشید قدر وی گه نیّت ارسطو علم و اسکندر نیا

اوست فریدون ظفر بل که دماوند حلم‏ عالَم ضحاک فعل بستهء چاهش سزد

نقش معنایی:نقش دیگر این عبارتهای توصیفی، همان نقش معنایی است که در برقراری مفاهیم شعری و رسایی پیام شاعر بسیار حایز اهمیت است.از مطالعه و بررسی مواد جمع‏آوری شده(پیکره)برای تحقیق به 103 فقره از این نوع عبارتهای نو پرداختهء توصیفی برخورد کرده‏ایم که در مفاهیم کلیهء آنها نوعی افراط یا زیاده‏روی‏ معنایی وجود دارد که از نظر درجه‏بندی میزان افراط معنایی به سه گروه مبالغه،اغراق و غلون(1) تقسیم‏پذیرند.

در این تحقیق مفاهیم افراطی که در عبارات توصیفی‏ نو پرداختهء خاقانی وجود داشته‏اند بر اساس یک«مقیاس‏ معناسنجی»،میزان نسبی افراط آنها را بررسی نموده‏ایم‏ و بر این اساس یعنی بر حسب«میزان مبالغه معنایی» ) eerged fo citnames noitareggaxe (،آنها را به سه گروه تقسیم کرده‏ایم که بنا بر تعاریفی که در متون‏ ادب فارسی آمده عبارتند از مبالغه،اغراق و غلو.در نمودار شمارهء یک مقیاس معناسنجی‏ای را که برای‏ گروه‏بندی معانی عبارات توصیفی مورد استفاده قرار گرفته است نشان می‏دهیم و آنگاه به معرفی گروههای‏ معنایی به دست آمده می‏پردازیم.

گروه نخست:عبارات توصیفی با مفهوم مبالغه‏ ) noitareggaxe (.تعداد 24 فقره از عبارتهای‏ توصیفی جمع‏آوری شده به طور نسبی از مفهوم مبالغه‏ برخوردار بوده‏اند که لیست آنها را در نمودار شمارهء دو می‏آوریم و چنانچه فاقد موصوف باشند،جای خالی‏ موصوف را با خط تیره نشان می‏دهیم.

نمودار شماره یک

مقیاس معنی سنجی

کمترین افراط معنایی‏\حدّ وسط در افراط معنایی‏\بیشترین افراط معنایی

گروه نخست‏\گروه دوم‏\گروه سوم

مبالغه‏\اغراق‏\غلوّ

نمودار شماره دو

داور مهدی سیاست‏\مهتر احمد سخا\-سطرلاب روح

-آصفخامه‏\هادی مهدی غلام‏\جان ملک فعل

-جمشید قدر\امّی صادق کلام‏\-شکر نطق

-ارسطو علم‏\خسرو موسی سخن‏\خسرو اقلیم بخش

بخت روز خسب‏\شاه مجسطی گشای‏\-صبا خلق

-اسکندر بنا\خسرو هیئت شناس‏\-فلک دست

صدر براهیم نام‏\شاه عراقین طراز\-فریدون ظفر

خواجهء موسی سخن‏\زلف زره مثال‏\-دماوند حلم

همان طور که از عبارات بالا مشاهده می‏شود،حدود یک سوم آنها در آغاز خود فاقد موصوف می‏باشند.این‏ عبارتها یا صفت مسندی هستند یا این که جایگزین اسم‏ می‏شوند و نقش آن را به عهده می‏گیرند.

گروه دوم:عبارات توصیفی با مفهوم اغراق‏ ) elobrepyh (.از بین صد و دو فقره عبارات‏ توصیفی افراطی،38 فقره با مفهوم اغراق وجود دارد که‏ صورت آنها را در زیر می‏آوریم.در این جا لازم به‏ یادآوری است که فحوای کلام ابیات در تشخیص میزان‏ افراط در معنا و درجه بیان مبالغهء این عبارات بسیار مؤثر بوده است،به طوری که ممکن است هر یک از این‏ عبارات جدا از همبافت شعری خود مفهوم خود را به آن‏ دقتی که لازم است آشکار نسازند و برای خواننده‏ای که‏ آنها را جدا از همبافت در نظر بگیرد متفاوت از آنچه که‏ گروه‏بندی شده‏اند در نظر آید.به هر حال،عباراتی را که با معنای اغراق تشخیص داده شده‏اند در نمودار شماره سه می‏آوریم.

گروه سوم:عبارات توصیفی با مفهوم غلوّ ) tsabmob (.تعداد 49 فقره عبارات توصیفی دارای‏ مفهوم غلوّ هستند.از جمله ویژگیهای خاص عبارتهای‏ این گروه این است که اولا تمامی آنها دارای موصوف‏ می‏باشند،در ثانی موصوف آنها تماما از نوع اسم خاص‏ بوده و به طور استعاری دلالت بر شخصیتهای ممدوح‏ خاقانی می‏کنند که همین ویژگی خود تأثیر زیادی در بالا بردن میزان افراط در مفهوم آنها داشته و مفهوم آنها را تا حد غلو رسانده است.با این وجود معنای غلو در این‏ ترکیبهای وصفی بسیار روشن و آشکار است.صورت‏ این ترکیبهای وصفی را در نمودار شماره چهار می‏آوریم.

نمودار شماره سه

خسرو خورشید چتر\دهر شبانگه لقا\خسرو موسی کف

یل بهرام دهره‏\قطب سماک نیزه‏\خسرو هارون زمان

شه کیوان دها\سردار خضر دانش‏\-مهدی ظفر

راد سلیمان جلال‏\خسرو جمشید جام‏\شهریار فلک غلام

شاه فریدون علم‏\حیدر فاروق عدل

ابر صواعق سنان‏\بحر جواهر بنان‏\روح ملایک سپاه

شاه سلیمان رکاب‏\خسرو مهدی نیت‏\جعفر فرقان پناه‏\

خسرو خورشید چتر\شاه ملایک شعار\خسرو مهدی نیت

روضهء دوزخ اثر\شیر ممالک شکار\تیغ جبریل رنگ‏ خاقان جهان داور

نمودار شماره چهار

مهدی امت پناه‏\موسی خضر اعتقاد\رستم خورشید رخش

رستم حیدر کفایت‏\خضر سکندر جناب‏\بحر نهنگ پیکان

حیدر احمد لوا\شاه فلک جنیبت‏\بدر ستاره لشگر

آفتاب مشتری حکم‏\خورشید عرش هیبت‏\جمشید سام عصمت

سپهر قطب حلم‏\بهرام گور زهره‏\سام سپهر سطوت

مهدی آدم صفت‏\برجیس بحر خنجر\دارای زال همت

زال زمانه داور\آدم موسی بنان‏\رستم کیقباد فر

خضر بهشت منظر\موسی احمد قدم‏\حیدر مصطفی ظفر

خضر سکندر دل‏\مهدی دجال کش‏\سام کیخسرو مکان

سام تهمتن حسام‏\آدم شیطان شکن‏\خضر اسکندر مکان

خضر سکندر سپاه‏\موسی دریا شکاف‏\حیدر آتش سنان

شاه فریدون علم‏\احمد جبریل دم‏\رستم آرش کمان

رستم توران ستان‏\کیخسرو رستم کمان‏\نعمان کیان گوهر

جمشید اسکندر مکان‏\کیخسرو آرش کمان‏\جمشید ملک هیبت

مهر کواکب حشم‏\اسکندر آتش سنان‏\بهرام اسد زهره

رستم توران ستان‏\سام تهمتن حسام‏\خسرو مهدی نیت

موسی خضر اعتقاد

انواع اسامی خاص که به طور استعاری در ترکیبهای‏ وصفی بالا به عنوان موصوف به کار برده شده‏اند خود به‏ سه دسته بخش پذیرند:یکی اسامی دینی،دیگری‏ اسامی تاریخی که بیشتر در شاهنامه آمده‏اند و سوم‏ اسامی مربوط به پدیده‏های طبیعی.برخی از این‏ موصوفها ممکن است تا پنج بار مورد توصیف قرار گرفته باشند.لیست این اسامی خاص را به طور تفکیکی در زیر می‏آوریم:

اسامی دینی‏ اسامی تاریخی‏ اسامی پدیده‏های طبیعی

مهدی‏ رستم‏ آفتاب

حیدر بهرام‏ سپهر

خضر جمشید برجیس

موسی‏ سام‏ ابر

احمد دارا بحر

آدم‏ زال‏ بدر

نعمان‏ شاه‏ مهر

کیخسرو خورشید

اسکندر

نتیجه:

خاقانی شروانی برای منظورهای توصیفی در مدح‏ بزرگان دین و امرای زمان خود به کاربرد ابزارهای بیانی‏ خاص و متنوعی مبادرت می‏ورزد که یکی از آنها ترکیبات‏ جدید توصیفی است که برای منظورهای مدیحه‏سرایی‏ ابزار مناسبی است اما گهگاه این ترکیبات توصیفی با مفاهیم افراطی،بیشتر پیرامون ظواهر و تجلیات صوری‏ دور می‏زنند تا حقایق،و لفظ را بیش از معنا مراعات‏ می‏کنند و بیشتر به صورت و قالب سخن می‏پردازند.به‏ هر حال می‏توان گفت که خاقانی عبارتهایی را به اقتضای‏ شعری خود ابداع می‏کند و آنگاه برای مفاهیم مورد نظر به محک تجربه می‏گذارد و با این کار سنگ بنایی را در امر واژه‏سازی و واژه‏گزینی بنا می‏نهد.بنابراین چون‏ مهارت واژه‏سازی و عبارت‏پردازی او اصالت دارند بر شاعران بعد از او نیز بخصوص خواجوی کرمانی تأثیر گذاشته است.خواجوی کرمانی با این که نخلبند شعرا لقب گرفته،از این شیوهء عبارت‏پردازی در مدیحه‏ها و قصاید به خوبی پیروی کرده است.ابیات زیر از خواجوی کرمانی،نمونه‏های بارزی از این نوع تأثرات‏ هستند:

هرمز بهرام سطوت،گیو گودرز انتقام‏ رستم کاووس رتبت،حاتم جمشید فر

قطب گردون مرتبت،برجیس مریخ انتقام‏ خسرو کیخسرو آیت،کسری جمشید جام

خواجوی کرمانی حتی بسیاری از این مدیحه‏های خود را هم وزن اشعار خاقانی سروده است.

نکته دیگر این که نظام ارتباطی در امر واژه‏پردازی‏ خاقانی،در بین صورت و معنای واژه‏ها،بسیار چشمگیر است.در عبارتهای توصیفی مورد بررسی‏ آنهایی که بیشتر،از موصوف اسم عام برخوردار بودند یا بدون موصوف بودند،از مفهوم مبالغه برخوردار می‏شدند،عباراتی که از موصوف اسم عام یا خاص‏ برخوردار بودند که به صورت استعاری به کار برده نشده‏ بودند به معنای اغراق آمیخته بودند و از همه منسجمتر عبارات وصفی‏ای بودند که از موصوفهای اسم خاص‏ برخوردار بودند و این موصوفها به صورت استعاری به کار برده شده بودند و عبارات وصفی آنها بدون استثنا دارای‏ معنای غلوّ بودند.این هماهنگی لفظ و معنی یا قالب و پیام خود صنعت واژه‏سازی پیچیده‏ای را نشان می‏دهد که‏ در عین حال بسیار نظام‏مند است.

گر چه ممکن است برخی از منتقدان و صاحبنظران در مورد کاربرد عبارتهای مبالغه،اغراق و غلو نگرش‏ نا موافق داشته باشند ولی تجربه نشان داده که در کار مدیحه‏سرایی و ستایش نمی‏توان تنها به صفات معمولی‏ و کلمات عادی و ساختارهای متداول بسنده کرد و موفقیت زیادی کسب نمود.این کار تا حدودی مستلزم‏ سبک مفاخر و تکلفی است و بیانی با آب و تاب و پر طمطراق می‏طلبد که خود به خود واژه‏ها و عبارتهای‏ اغراق‏آمیز را ایجاب می‏کند.

در پایان برای نشان دادن عبارتهای وصفی مورد بررسی،کلیه آنها را در ابیاتی که به کار برده شده‏اند در زیر می‏آوریم.این ابیات از قصاید و ترکیب‏بندهای‏ خاقانی هستند و به ترتیبی که استخراج شده‏اند ارائه‏ می‏گردند:

داور مهدی سیاست مهدی امت پناه‏ رستم حیدر کفایت حیدر احمد لوا

آفتاب مشتری حکم و سپهر قطب حلم‏ زیر دست آورده مصری مارو هندی اژدها

ای خدیو ماه رخش ای خسرو خورشید چتر ای یل بهرام دهره‏ای شه کیهان دها

ای گه توقیع آصفخانه و جمشید قدر وِی گهِ نیت ارسطو علم و اسکندر نیا

صندرِ بِراهیم نام راد سلیمان جلال‏ خواجهء موسی سخن مهتر احمد سخا

هادی مهدی غلام امی صادق کلام‏ خسرو هشتم بهشت شَحنهء چارم کتاب

صبح سپهر جلال خسرو موسی سخن‏ موسی خضر اعتقاد خضر سکندر جناب

مرغ تو خاقانی است داعی صبح وصال‏ منطق مرغان شناس شاه سلیمان رکاب

شاه مجسطی گشای خسرو هیئت شناس‏ رهروِ صبح یقین رهبر علم الکتاب

شاه عراقین طراز کز پی توقیع او کاغذ شامی است صبح خامهء مصری شهاب

خسرو خورشید چتر آن که ز کلک و کفش‏ پرچم شب یافت رنگ رایت صبح انتصاب

رای ملک صبح خیز بخت عدو روز خُسب‏ شبروی از رستم است خواب از افراسیاب

صبح ظفر تیغ اوست حوروش و روضه رنگ‏ روضهء دوزخ اثر حورِ زبانی عقاب

دهر شبانگه لقا تازه شد او تو چو صبح‏ تا به زبان قبول یافت ز حضرت جواب

شاه کیخسرو مکان در شرق و غرب‏ خضر اسکندر مکان در شرق و غرب

خسرو مهدی نیت با صف غوغای عدل‏ بر در دجال ظلم آمد و در،در شکست

تیغش جبریل رنگ باد و سر از فتح و نصر خانهء اهریمنان زیر و زبر در شکست

کیخسرو آرش کمان شاه جهانبان چون پدر اسکندر آتش سنان خضر نهان دان چون پدر

شاه جهان مهدی ظفر یعنی شبان دادگر ایام دجال دگر گرگ ستم زان پرورد

حیدر فاروق عدل جعفر فرقان پناه‏ کز شرف او سماک رمح سپاهش سزد

اوست فریدون ظفر بل که دماوند خلق‏ عالم ضحاک فعل بستهء چاهش سزد

شاه فلک جنیبت،خورشید عرش هیبت‏ بهرام گور زهره برجیس بهر خنجر

ابر درخش بیرق،بحر نهنگ پیکان‏ قطب سماک نیزه بدر ستاره لشگر

جمشید سام عصمت شام سپهر سطوت‏ دارای زال همت زال زمانه داور

شاه اسکندر مکان باد از ظفر دست خضرش در عنان باد از ظفر

گر به ملک افراسیاب آمد عدو شاه کیخسرو مکان باد از امیر

سردار خضر دانش خضر بهشت خضرت‏ سردار روح بینش،روح فرشته مخبر

زهی خضر سکندر دل هوا تخت و خرد تاجش‏ زهی سروست عاقل جان بقا نزل و رضا خوانش

آن خال نیم جو سنگ از نقطهء زره کم‏ بر نقطه حلقه گشته زلف زره مثالش

شهریار فلک غلام که هست‏ هر غلامیش پهلوان ملوک

خسرو اقلیم بخش باج ستان ملوک‏ رستم خورشید رخش مالک جان ملوک

حیدر آتش سنان آمد به رزم‏ رستم آرش کمان آمد به بزم

چشمهء خورشید لطف بل که سطرلاب روح‏ گوهر گنج حیط بلکه کلید کرم

تا همه بر فال عید جان ملک فعل را داغ سگی برنهیم بر در کهف الامم

خسرو جمشید جام سام تهمتن حسام‏ خضر سکندر سپاه شاه فریدون علم

ابر صواعق سنان،بحر جواهر بنان‏ روح ملایک سپاه،مهر کواکب حشم

خسرو مهدی نیت،مهدی آدم صفت‏ آدم موسی بنان،موسی احمد قدم

مهدی دجّال کش،آدم شیطان شکن‏ موسی دریا شکاف،احمد جبریل دَم

خاقان جهان داور سردار همه عالم‏ لقمان کیان گوهر مختار همه عالم

جمشید ملک هیئت خورشید فلک هیبت‏ یک هندسه رایش معمار همه عالم

گردد فلک ز حیرت حالش زمین نشین‏ گردد زمین ز سرعت رقصش فلک خران

رستم کیقباد فر،حیدر مصطفی ظفر همره رخش و دلدلش فتح و غزای راستین

شاه ملایک شعار،شیر ممالک شکار خسرو اقلیم بخش،رستم توران ستان

پیش تخت خسرو موسی کف هارون زبان‏ این منم چون سامری سحر از نیان انگیخته

کو شکر نطقی که از رشک زبانش هر زمان‏ نحل آب چشم بر آب دهن بگریستی

کو صبا خُلقی که از تشویر جاه و جود او هم بهشت عدن و هم بحر عدن بگریستی

کو فلک دستی که چون کلکش به هم کردی سخن‏ دختران نعش یک یک بر پرن بگریستی

از گوهر بهرامی بهرام اسد زهره‏ وز نسبت سالاری سالار جهان‏داری

منابع:

.H.M.smarbA )1791( A yrassolG fo yraretil smreT weN kroY : tloH , trahcniR dna notsniW .cnI

.A.J.nodduG )9891(. A yranoitciD fo yraretiL smreT .A.S.U : yadelbuoD dnA ynapmoC .dtL

ثروتیان،بهروز،(1369)بیان در شعر فارسی تهران:انتشارات‏ برگ

داد،سیما،(1371)فرهنگ اصطلاحات ادبی تهران:انتشارات‏ مروارید

سادات ناصری،سید حسین،(1365)فنون و صنایع ادبی‏ آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب،تهران:شرکت چاپ و نشر ایران.

سادات ناصری،(1366)قافیه و صنایع معنوی آموزش متوسطه‏ عمومی فرهنگ و ادب،تهران:شرکت چاپ و نشر ایران.

شفیعی کدکنی،محمد رضا،(1368)موسیقی شعر تهران: انتشارات آگاه

شمیسا،سیروس،(1370)فرهنگ عروضی تهران:انتشارات‏ فردوس

شمیسا،سیروس،(1372)کلیات سبک‏شناسی تهران:نشر فردوس

شمیسا،سیروس(1374)سبک‏شناسی شعر تهران:نشر فردوس‏ کزازی،میر جلال الدین(1370)زیباشناسی سخن پارسی 2- معنانی،تهران:نشر مرکز

کزازی،میر جلال الدین(1370)زیباشناسی سخن پارسی‏1- بیان،تهران:نشر مرکز